



## گزارش هیات حقیقت یاب حوادث المناک کندز د کندز در دونکو پینو د حقیقت موندنی پلاوي راپور



## د حقيقت موندونكي پلاوي غړي

محترم امرالله صالح رييس هيات

محترم غلام فاروق وردگ رييس هيات

محترم فضل الكريم ايماق عضو

محترم محمد ايوب رفيقي عضو

محترم ابدال الله محمدي عضو

محترمه رحيمه ظريفي

## مقدمه

ولایت کندز در ۶ میزان مورد هجوم تعداد نامعلومی از طالبان قرار گرفت که به گفته نهادهای زیربط دولت افغانستان عناصری از لشکر طیبه، القاعده، جندالله، جنبش اسلامی ازبکستان، جنبش النصر تاجکستان، ایغورهای ترکمنستان شرقی مربوط به کشور چین در آن شامل بودند. در نتیجه این هجوم هماهنگ و چند جانبه شهر کندز در ساعت ۱۵:۳۰ دقیقه روز دوشنبه تاریخ ۶ میزان سال ۱۳۹۴ مطابق به ۲۸ سپتمبر ۲۰۱۵ به دست دشمنان افغانستان سقوط کرد. این فاجعه باعث شهادت ۳۸ تن از نیروهای امنیتی گردید. در نتیجه این تهاجم، خسارات زیاد جانی و مالی به مردم کندز رسید و بخش‌های زیادی از تاسیسات عام المنفعه متضرر گردید.

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان بمنظور دریافت حقایق پیرامون حوادث المناک کندز هیات غیر دولتی تحت نام «هیات حقیقت یاب حوادث المناک ولایت کندز» تحت ریاست مشترک محترم امرالله صالح و محترم غلام فاروق وردک و عضویت هر یک محترم فضل الکریم ایماق، محترم محمد ایوب رفیقی، محترم ابدال الله محمدی، و محترمه رحیمه ظریفی طی حکم شماره ۱۳۴۴ مؤرخ ۱۳۹۴/۷/۱۸ ایجاد نمود که محترم فضل الکریم ایماق بعد از هفته اول کاری این کمیسیون را ترک نمود. این هیات مؤظف شد تا در مدت سه هفته یعنی از ۱۸ میزان الی ۸ عقرب ۱۳۹۴ مطابق ۱۱ الی ۳۰ اکتوبر سال ۲۰۱۵ میلادی حوادث المناک ولایت کندز را همه جانبه بررسی نموده و همه مسائل را عمیقاً ریشه یابی نماید. رئیس جمهور در دیدارش با هیات حقیقت یاب تأکید نمود که بخاطر اعاده فضای اعتماد و باور بین مردم نیاز است که کمیسیون هویت غیر دولتی داشته باشد تا مردم نظام را متهم به پرده پوشی و کتمان حقایق نکنند. ایشان تأکید نمود که بالای هیات اعتماد کامل داشته و استقلال مطلق این کمیسیون را در کارش حرمت خواهد گذاشت.

در همین حال رئیس اجراییه حکومت وحدت ملی در ملاقات تعارفی و تشریحی با هیات حقیقت یاب ذکر نمود که از یافته‌های هیات استقبال خواهد نمود زیرا مردم افغانستان توقع مشروع و بزرگ از دولت خویش دارند و بحث مکافات و مجازات میتواند تا حدی این خواست مشروع مردم را بر آورده سازد. ایشان یاد آور شدند که کاستی‌ها و کمبودی‌های زیادی در کار دولت در ولایت کندز وجود داشته است و ابراز امیدواری نمود که کار هیات حقیقت یاب بتواند اعتماد و باور مردم را بر دولت تحکیم ببخشد و باعث گردد که چنین فاجعه ای تکرار نگردد، از درس‌های عبرت آن آموخته شود و بر نکات کامیاب و موفق سرمایه گذاری و توجه بیشتر شود.

به اساس این حکم، هیات صلاحیت یافت تا به همه مقامات و منسوبین زیربط و ذیصلاح مصاحبه نموده و هر نوع اسناد مورد نیاز خویش را از آنها مطالبه نماید. هیات از همکاری

تمامی نهادها و مقام‌های ذیربط و ذیصلاحیت دولتی در پایتخت کشور، حکومت‌های محلی و مردم شریف کندز، تخار و بغلان ابراز امتنان و سپاس می‌نمایند.

جهت ریشه‌یابی حقایق هیات حوادث امنیتی را شروع از 15 ثور 1394 یا ماه می 2015 الی 6 میزان مطابق به 28 سپتمبر 2015 به بررسی گرفت. به باور تمام رهبران نظامی و امنیتی افغانستان اولین حملات طالبان در کندز در ماه اپریل 2015 آغاز یافت. ازینرو هیات حقیقت یاب لازم دانست بخاطر ریشه‌یابی حوادث را از 15 ثور شروع و الی سقوط شهر بررسی نماید. هیات حقیقت یاب هیچ مسوولیتی در بررسی حوادث پس از 6 میزان ندارد.

### شیوه کار هیات حقیقت یاب

هیات حقیقت یاب حوادث المناک ولایت کندز، جهت بررسی و ریشه‌یابی حقایق تقویم کاری خویش را به سه مرحله تقسیم نموده است.

### مرحله اول: کار در پایتخت و بررسی دیدگاه استراتژیک

- ملاقات با رییس جمهوری ج.ا.ا.
- رییس اجراییه حکومت وحدت ملی
- مصاحبه با سرپرست وزارت دفاع ملی محترم محمد معصوم ستانکزی
- مصاحبه با وزیر امور داخله محترم نورالحق علومی
- مصاحبه با مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری محترم محمد حنیف اتمر
- مصاحبه با رئیس عمومی امنیت ملی محترم رحمت الله نبیل
- مصاحبه با رییس ارگانه‌های محل محترم غلام جیلانی پوپل
- مصاحبه با بیجا شده گان ولایت کندز ( زنان و متفدین).....
- بررسی اسناد و مصوبه‌های مرکز مرتبط به ولایت کندز

مرحله دوم: سفر هیات به ولایت کندز، تخار و بغلان و انجام مصاحبه‌ها از تاریخ 24 میزان الی 29 میزان مطابق به 17 می الی 20 اکتوبر 2015 میلادی

- سرپرست ولایت: محترم دانشی صاحب
- معاون لوی درستیز: محترم جنرال مراد علی مراد
- قوماندان قول اردوی 209 شاهین: محترم جنرال عبدالحمید حمید
- قوماندان لوای 2: محترم جنرال احمد حبیبی
- قوماندان امنیه: محترم محمد قسیم جنگل باغ
- رییس امنیت: محترم گل نبی
- آمرین حوزه‌های چهار گانه شهر کندز هر یک مجید خان، ضابط نورالله، سادات و....

- زنان و نماینده گان سرشناس و ریپسه امور زنان کندز
- افراد منتفذ و محاسن سفیدان
- ولسوالان ولسوالی‌ها
- قوماندانان پولیس محلی و خیزش‌های مردمی: محترم آمر عبدال، عمر پخسه پران، آمر اسد مربوط میر علم، و ده‌ها قوماندان دیگر
- باز دید هیات از نهادهای کلیدی اسیب رسیده در جنگ ولایت کندز شامل قوماندانی امنیه، ریاست امنیت ملی، محبس، ریاست امور زنان، مقام ولایت، قطعه خاص واکنش پولیس، قوماندانی و قرار گاه نظم عامه، لوای 02 قول اردوی 209 شاهین، مرکز شهر و خیابان‌هایی که بیشترین جنگ در آن صورت گرفته بود.
- بازدید از مقام ولایت تخار و ملاقات با والی، معاون والی، قوماندان امنیه، رییس امنیت ملی، تعداد از روسای ادارات ملکی، تعدادی از محاسن سفیدان، رییس شورای ولایتی، تعدادی از جوانان و چهار تن به نمایندگی از بی جاشدگان کندز.
- بازدید از مقام ولایت بغلان و ملاقات با والی، معاون والی، قوماندان امنیه، رییس امنیت ملی، تعداد از روسای ادارات ملکی، تعدادی از محاسن سفیدان، رییس و اعضای شورای ولایتی، تعدادی از جوانان.

#### مرحله سوم: برگشت هیات از سفر ولایتی همراه با اسناد ثبتی و کتبی دست داشته مرتبط به حوادث کندز

- بررسی، تحلیل و ارزیابی اسناد جمع آوری شده مرتبط به حوادث کندز
- بررسی، تحلیل و ارزیابی اسناد رسانه‌های (صوتی، چاپی، انترنتی و شبکه‌های مختلف اجتماعی)، محلی، داخلی، منطقوی و بین المللی (که همه اسناد مستند ضمیمه گزارش عمومی هیات میباشد)
- تهیه و ترتیب همه معلومات به صورت کروئولوژیک یا واقعه نگاری.

#### شاخص‌های بررسی خلاها

- در بخش نیروها و ادارات دولتی، هیات عمدتاً توجه به خلاها و نقایص در ساختار، ضعف رهبری و مدیریتی در ادارت ملکی و نظامی و معضله امکانات مالی و تجهیزاتی را مد نظر داشته است.
- هدف از دیدار با نماینده‌های اقشار مختلف مردم این بود تا چشم دید آنها از حوادث مورد توجه قرار گیرد، تفاوت دیدگاه و معلومات میان جامعه و دولت برجسته گردد، گفتنی‌ها و شکایات مردم در شکل گیری پیشنهادهای نهایی ممد واقع شود.
- منابع باز شامل رسانه‌های چاپی، صوتی، تصویری و شبکه‌های اجتماعی سرچشمه غنی معلومات است. تمام حوادث منعکس شده از ماه ثور الی میزان 1394 مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفت. این

بخش نیز هدف چند گانه داشت که عبارت بود از تثبیت خلاها ، برجسته سازی سهل انگاری ها ، عدم توجه به صدای مردم و مقایسه منابع باز با اطلاعات خاص و استخباراتی.

## فهرست حقایق و قضاوت هیات

رهبری و مدیریت بحران در سطح مرکز، تأملی بر روش تصمیم‌گیری و استراتژی اقدام

**ناکامی یا دسیسه: هیات حقیقت یاب کندز بنا بر دلایل ذیل، می‌توانیم مدیریت و گردش اطلاعات، روش تصمیم‌گیری و استراتژی اقدام را در شورای امنیت ملی یکی از عوامل کلیدی و محوری در کند کاری، سهل انگاری، عدم وضاحت قومانده در کندز و نتیجتاً بر هم خوردن فضای همسوویی و هماهنگی در سطوح مختلف اداره و قوا میدانند.** ازینرو قضاوت هیات حقیقت یاب نفس این نوع ساختار و تشکیل را در شکل فعلی آن بیشتر مغشوش کننده تلقی نموده و عامل بی ثباتی وضعیت میدانند. این نوع روش برخورد با اطلاعات و استراتژی اقدام یکی از عوامل سهیم در ایجاد وضعیت نا هنجار در کندز بوده است. محوری ترین سوال برای هیات حقیقت یاب از آغاز تا انجام کار این بود که آیا سقوط کندز ناشی از دسیسه سازمان یافته و توطیه حلقه‌های نفوذی در داخل دولت بوده یا اینکه بیشتر منشا در ضعف رهبری، غفلت وظیفوی و سهل انگاری داشته است. با استناد به اسناد، اطلاعات و معلومات بدست آمده هیات فرضیه دسیسه را نفی دانسته و سقوط کندز را ناشی از عوامل ضعف در رهبری، خلا و پیچیده گی ساختارها و استفاده نادرست از منابع و امکانات میدانند.

**اول:** نهادهای امنیتی و سایر نهادهای عضو در شورای امنیت ملی موضوعی را مرتبط به ثبات کشور شامل اجندا می‌سازند و این بحث‌ها در یک تشکل یا شورای 16 و گاهی 18 عضوی که پیگیری آن بدوش مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری است صورت می‌گیرد. ریاست این مجلس را رییس جمهور کشور به عهده دارد و اعضای آن عبارت اند از معاون اول رییس جمهور، معاون دوم رییس جمهور، رییس اجرائیه حکومت وحدت ملی با معاونین شان، مشاور امنیت ملی، وزیر دفاع ملی، وزیر امور داخله، وزیر امور خارجه، وزیر مالیه، نماینده فوق العاده رییس جمهور در امور حکومت داری خوب، رییس عمومی امنیت ملی، رییس مستقل ارگان‌های محلی و رییس دفتر مقام ریاست جمهوری این تشکل و ساختار نه تنها برای رده اول تصمیم‌گیری، زمان گیر و وقت کش است بلکه کثرت اعضا روحیه بی تفاوتی را نیز تقویت بخشیده است.

**دوم:** هریک از نهادهای دفاعی و امنیتی که هیات با آنها مصاحبه نمود، اکتفا به این می نمایند که گویا موضوع را به سمع شورای امنیت رسانیده است. اقناع و اکتفا به اینکه "من گفتم

دیگران باید اقدام می‌کردند " دایره اتهام زدن بر یک دیگر را در نهادهای امنیتی به شدت دامن زده و باعث بروز روحیه تضاد، رقابت و خصومت نیز گردیده است. این روحیه و رفتار باعث گردیده است که گردش اطلاعات در مرکز در روی کاغذ باقی مانده و کمتر به مرحله اقدام برسد. این قضاوت هیات حقیقت یاب صرفاً بر موضوع کندز مصداق دارد و بس.

**سوم:** برداشت و تحلیل نهادهای کلیدی امنیتی و دفاعی مانند مشاوریت امنیت ملی، وزارت دفاع ملی، وزارت امور داخله، ریاست عمومی امنیت ملی و ریاست مستقل ارگان‌های محلی از مقیاس تهدید، قوت دشمن، تحلیل نیروی خودی و روش مقابله به چالش در موارد مهم و کلیدی از یک دیگر به کلی متفاوت بوده و در بعضی موارد در تضاد و مغایرت با یکدیگر قرار دارند. این برداشت مختلف و متفاوت در داخل یک نظام و آنهم با داشتن میکائیزم بلند بنام شورای امنیت ملی باعث استفاده نامنظم، متفرق و بی رویه از منابع و امکانات دولتی در ولایت کندز گردیده و در نهایت نبود این همسویی یکی از عوامل سهم در سقوط کندز بوده است. از دید منابع و امکانات مادی و تخنیکی، اداره محلی اعم از نظامی و ملکی دچار کمبود نبوده است. دشمن از ضعف و خلاهای یاد شده بهره گیری استراتژیک و موردی (تاکتیکی) نموده و توانست شهر را سقوط بدهد.

**چهارم:** برخورد چند محوری و چند گانه دولت مرکزی با قضیه کندز در بُعد ملکی و نظامی در روزهای قبل از حادثه سقوط فضای بی باوری و ابهام را در صفوف و رهبری اداره و قوا در ولایت کندز چنان شدت بخشیده بود که در روز حادثه ی 6 میزان قومانده واحد وجود نداشت و حتی شماری از مصاحبه شوندگان ادعا داشتند که نیروهای امنیتی برایشان گفته بودند که اجازه فیر را ندارند. این ادعای شماری از مصاحبه شونده گان از جانب رهبری وزارت‌های داخله و دفاع در سطح مرکز و ولایت به شدت رد گردید. وخامت این وضعیت بیشتر از آن است که به آن نبود هماهنگی خطاب کرد. پس تمامی نهادها و شخصیت‌های شامل در شورای امنیت ملی بخاطر ایجاد چنین فضای بی باوری، چند دستگی و مغشوش عامل شده اند که کندز سقوط کند. اسناد و مدارک صادر شده از مشاوریت امنیت ملی نشان میدهد که در بسا موارد به مصوبه های این نهاد واقعی گذاشته نشده است.

**پنجم:** اظهار نظرها، تبصره‌ها و نوشته‌های شماری از به اصطلاح آگاهان امور، کارشناسان مسایل سیاسی و نظامی بدون ارایه مدرک، شواهد و ثبوت جوی منفی ای را نسبت به عملکرد کل نظام در قضیه کندز ایجاد نموده بود که بدون شک در تحکیم تیوری توطیه نقش داشته است. دولت می بایست با برخورد مسوولانه، هدفمند و با دوام اطلاع رسانی نموده و با ارایه حقایق از مسئولی شدن فضای ابهام جلوگیری می نمود.





## قوماندانی امنیه و نیروهای پولیس در سطح ولایت

### • نظم عامه

با در نظر داشت استحکامات، پرسونل، امکانات و تجهیزات دست داشته در اجرای وظایف شان از دید هیات حقیقت یاب ناکام بوده است. این قطعه نتوانسته به توقعات مردم و دولت پاسخ مثبت ارائه بدارد. مزید بر آن، به عوض آنکه با استفاده از محکم‌ترین سنگر یعنی مرکز قرارگاه خویش که با معیارهای جهانی ساخته و تجهیز گردیده است، به دفاع پردازد، بدون هیچ نوع مقاومت فرار کرده، سنگر مستحکم خویش را به گروپ کوچک دشمن که به هیچ وجه با قوت این لوا متناسب نبوده رها نموده است.

### • قوماندانی امنیه و حوزه‌های مربوطه شان (حوزه اول، دوم، سوم و چهارم)

به استثنای حوزه اول تحت فرماندهی ضابط نورالله، سه حوزه دیگر وظایف محوله شانرا که دفاع از ساکنین حوزه‌های مربوطه شان بوده، ناکام ماندند. این حوزه‌ها یکی پی دیگر ساحات مربوطه خویش را رها کرده، به طرف لوای اردوی ملی در حالت پراکنده و دستپاچگی فرار نموده است که این امر باعث شکست روحیه مردم و قوت‌های امنیتی گردیده است.

### • قوماندانی امنیه

■ قوماندانی امنیه پرسونل خویش را در حوزه‌های مربوطه بدون ارزیابی دوره ای از اجراءات شان برای 14 سال حفظ نموده است.

■ از 13 موارد اختطاف در دو ماه اخیر جلوگیری کرده نتوانسته و عاملین اختطاف‌ها را به پنجه قانون کشانیده نتوانسته است.

■ حوزه‌های مربوط به این قوماندانی از سطح حوزه تا پائین با حلقه‌های غیردولتی ارتباط داشته و در حوادث سقوط‌کنند از ایشان هدایت طلب بوده اند.

■ در دفاع از مقر حوزه‌ها و ساحات مسؤلیت خویش کوتاهی نموده اند.

■ تلاش برای ایجاد مرکز واحد قومانده دهی صورت نگرفته است.

■ بعد از حدود 12 ساعت ادعای جنگ و مقاومت از شهر به طرف لوای فرار کرده است. این امر باعث شکست روحیه مردم و قوت‌های امنیتی گردیده، بالانوبه منتج به سقوط شهر کندز گردیده است.

■ قوماندانی امنیه به اساس تلیفون عبدالله تلوک که یکی از قوماندان‌های مسلح غیر دولتی است، قبل از سقوط قوماندانی حوالی ساعت 3 بعد از ظهر بدون اتخاذ تدابیر لازم جهت حفظ امنیت قوماندانی امنیه به جاده محبس حرکت کرده است که متعاقب این حرکت، قوماندانی بدست طالبان افتاده است.

#### • مدیریت عمومی محبس و توقیف خانه‌های ولایت کندز

■ با در نظر داشت موقعیت، استحکامات موجود، امکانات و تجهیزات و پرسونل کافی در محبس، و آگاهی از وضعیت موجود در ولایت کندز بدون هیچ نوع مقابله و مقاومت، ساحه را ترک کرده است. این امر باعث سقوط روحیه همه گردیده، صفوف دشمن را قوی ساخته و جریان سقوط شهر کندز را سرعت بخشیده است.

#### • پولیس محلی (اربکی)

هیات حقیقت یاب با اتحاف دعا به روح شهدای پولیس محلی و اذعان از زحمت کشی تعداد از آنها موارد ذیل را یاد داشت کرده است.

■ با در نظر داشت ساختار ناقص، تشکیلات خیالی و ترکیب ضد و نقیص، مدیریت ضعیف، عدم شفافیت در تمویل و پرداخت معاشات در ایفای وظایف شان، خلاف توقعات مردم و دولت ناکام مانده و پیش زمینه‌های سقوط شهر کندز را فراهم نموده است.

■ یکی از مشکلات پولیس محلی گیر ماندن این نیرو در روابط گذشته، انتقام گیری‌های گذشته و نزاکت‌های محلی است. این در حالیست که پولیس محلی بیشترین و بهترین معلومات را از نیروی دشمن دارد.

#### • قطعه واکنش سریع

■ این قطعه مشهور به قطعه عبدالله گارد است که دارای تشکیل 120 نفری میباشد. قرارگاه قطعه در اثر بمباردمان نیروهای امریکای به تاریخ 07 میزان یعنی یک روز بعد از تسخیر شهر بدست طالبان، قسماً و پیران گردیده است. تعداد سربازان حاضر در روز حادثه معلوم نبوده ولی قطعه متذکره با وصف داشتن موقعیت بهتر و استحکامات قوی در دفاع از مرکز خویش غفلت کرده، ناکام ماندند و در سقوط کندز سهم داشته است.

#### • ریاست امنیت ملی ولایت کندز

ریاست امنیت ملی ولایت کندز با وصف داشتن معلومات قابل ملاحظه از آماده گی دشمن، بخاطر حمله کلان نتوانست موجب احضارات درجه یک عملی در ولایت گردد چون احضارات درجه یک فقط روی کاغذ باقی مانده است. این ریاست حافظه کمپیوترها با اسناد محرم مربوطه خویش را بدون روحیه شکنی میتوانست به منطقه امن انتقال بدهد که نداده. رییس این اداره بدون اذعان رهبری مرکز، به رخصتی رفته و قطعه 05 بدون هیچ نوع مقاومت مقرر ریاست را ترک نموده و پا به فرار نهاده اند. نیروی مسلح این ریاست در بالاحصار نیز با بقیه نیروی‌های امنیتی یکجا شده و ساحه را ترک می نمایند. برخورد این ریاست با وضعیت پیش آمده یکی از عوامل سقوط است.

- بعد از بازدید هیات حقیقت یاب از مقر ریاست امنیت ملی ولایت، بخاطر برائت خویش بالای قراول در تاریکی شب فیر نموده، تا ثبوت مادی را جعل کند و هیات حقیقت یاب را اغفال نماید. اما هیات حقیقت یاب هیچ نوع شواهد که دال بر دفاع از حریم آن ریاست نمائید، بدست نیاورده است.

- **خیزش مردمی**

هیات حقیق یاب با اتحاف دعا به روح شهدای خیزش مردمی و اذعان از زحمت کشی تعداد از آنها به خصوص در باز نگاه کردن راه جدید تخار – علی آباد نقش داشته اند، موارد ذیل را یادداشت کرده است:

- خیزش مردمی تشکیلات بی بندبار، بدون سوق و اداره واحد، و در حالات غیر جنگی تشنج را می باشد. روش این نیرو در اکثر موارد ضد و نقیص بوده، بیشتر به نیروی جنگ داخلی شباهت دارد تا به یک نیروی دولتی. مزید برآن، از هیچ جهت خیزش مردمی شفافیت ندارد.

- **لوای 02 قول اردوی 209 شاهین**

- اردوی ملی بعنوان یک نهاد ملی در میان مردم از مشروعیت لازم برخوردار است. این نهاد دارای امکانات قابل ملاحظه بشری و تخنیکی میباشد. در روز حادثه 6 میزان توقع میرفت که اردوی ملی سوق و اداره تمام نیروهای امنیتی را بدست گرفته و از پراگندگی جلوگیری نماید و حداقل بخاطر حفظ منطقه "دوره" ابتکار عمل نماید که متأسفانه چنین نشده است.
- با در نظر داشت امکانات مادی و معنوی که اردو در اختیار دارد، واضح می گردد که اردو در ولایت کندز از سطح قوماندان قول اردو، لوأ، گارنیزون و کندکها فاقد ابتکار و مهارت های لازم رهبری میباشد.
- دو کندک تحت قومانده لوای نمبر 02 قول اردوی 209 شاهین (پل رحمت بای و کندک چهار دره) در دفاع از ساحه مربوطه، حفظ و نگهداشت تجهیزات و وسایط نقلیه شان غفلت نموده، مرکز خویش را ترک نموده اند. این برخورد اردوی ملی با وضعیت پیش آمده یکی از عوامل سقوط شهر کندز بوده است.

- **مقام ولایت کندز**

- والی با توسل به فریکسون سازی (ایجاد تفرقه)، عدم ایجاد روابط مؤثر با مردم، فرار از ولایت به بهانه ای مرضی، بی کفایتی و غفلت در اجرای وظایف در حفظ امنیت کندز ناکام، و یکی از عوامل چند گانه سقوط شهر کندز و شکست روحیه مردم بوده است. نوت: اسناد رسمی رخصتی والی ولایت کندز با تأخیر روز سه شنبه مورخ 5 عقرب به این هئیت موصلت ورزید.

- **اداره محلی**

- با در نظر داشت موقعیت استراتژیک، بافت اجتماعی و وضعیت اقتصادی کندز، در سه دهه گذشته حکومت محلی آن ولا تحت تاثیر دو ولایت همجوار (تخار و بغلان)

قرار داشته و برای کادرهای مسلکی این ولایت در حکومت محلی کمتر فرصت خدمتگذاری به مردم خویش میسر گردیده است، که این امر نقش مهم را در بی باوری مردم کندز بالای حکومت مرکزی داشته است.

#### • جامعه

متأسفانه شماری از افراد با سابقه جهادی، مقاومت، ملیشه، تنظیمی و یا با ادعای نفوذ قومی (مردمی)، و یا چاق شده‌ها در اثر قراردادهای بعد از سال: 2001، شبکه ای عنکبوتی از منابع نامشروع را تشکیل داده اند. این شبکه بقای خود را در ضعف مداوم حکومت می بیند. هیات حقیقت یاب به این شبکه "حکومت خاکستری" خطاب می کند. هدف اساسی حکومت خاکستری افزایش و حفظ منابع اقتصادی با استفاده از وسایل نامشروع و غیر قانونی (ترویج فساد اداری، تطمیع مقامات، تهدید مقامات، نفوذ در ادارات، و ایجاد تفرقه در جامعه) می باشد. افراد وابسته به حکومت خاکستری نفوذ عمیق در اداره محلی داشته و تعداد از عاملین حکومت خاکستری توسط شماری از حلقات داخل قدرت در دولت مرکزی نیز مورد حمایت قرار میگیرند.

### دور نمای بحران جاری و حادثه سقوط شهر کندز بدست طالبان

تعداد زیادی از مصاحبه شونده گان اذعان میدارند که قبل از انجام هجوم به شهر کندز طالبان شماری از افراد خویش را قبل از عید قربان 1394 و در روزهای عید در شهر در خانه‌های کسانی که با طالبان همسویی داشته اند جابجا نموده بودند.

به فرض اینکه این معلومات درست باشد پس سوال ایجاد میگردد که چرا تعدادی خواستند با طالبان درین زمینه همکاری نمایند. علاوه بر این همسویی شماری از شهروندان کندز و تعدادی از اوباشان شهر در روز شش میزان مطابق به 28 سپتمبر با طالبان یکجا شده و آنان را در نشان دادن منازل کارمندان دولتی رهنمایی و همکاری کردند.

در بخش اول این نبشته تلاش می نمایم به انگیزه‌هایی که بخشی از جامعه را تشویق به ضدیت با دولت و همسویی با دشمن میکند بپردازیم.

مشکل کندز مانند هر ولایت دیگر افغانستان ریشه در تاریخ پر تلاطم چهل سال گذشته دارد ولی از آنجاییکه این هیات حقیقت یاب زمان زیاد در اختیار خویش نداشت ناگزیر از پرداختن به مسایل عمیق پرهیز می نماید.

از پس منظر تاریخی، در گذشته جمعیت اسلامی افغانستان یکی از احزاب بسیار قوی در ولایت کندز بود ولی پس از شکل گیری طالبان، شماری از فرماندهان پشتون تبار این حزب از ناگزیری با طالبان یکجا شدند. دلایل زیادی به پیوستن این فرماندهان به طالبان وجود دارد ولی یکی از عمده ترین دلایل آن این بود که این فرماندهان در جمعیت اسلامی افغانستان خود را محفوظ احساس نمی کردند. با دوری این فرماندهان بخصوص قوماندان عارف خان که بعدها در پشاور پاکستان به قتل رسید، مقاومتی که در برابر طالبان در کندز شکل گرفت

عمدتاً اقوام تاجک، ایماق، ازبک و هزاره افغانستان بودند. اما عناصر مهم از جامعه پشتون کندز که در صفوف اتحاد اسلامی افغانستان بسیج بودند، نیز در مقاومت سهم داشتند.

متفرق شدن جامعه کندز در زمان طالبان، پیامدها و ناهنجاری‌های پس از یازده سپتمبر به اساس خطوط قومی یکی از ریشه‌های بحران کنونی آن ولایت است. پس از یازده سپتمبر 2001 و پیروزی مقاومت در برابر طالبان به همکاری ایالات متحده امریکا در اول تلاش صورت گرفت که فرماندهان کندزی را که با طالب همکاری نموده و هم صف بودند خلع سلاح نمایند. اما در وسط سال 2002 دولت جدید افغانستان به رهبری حامد کرزی از خلع سلاح این فرماندهان به دلیل مصلحت‌های قومی ممانعت کرد زیرا میدانست خلع سلاح کننده گان اکثراً مربوط به مقاومت از اقوام غیر پشتون بودند.

با این وصف در حالیکه نیروهای بومی طالبان در کندز خلع سلاح نشده بودند در سالهای اول حکومت آقای کرزی جامعه پشتون کندز خود را در بافت جدید قدرت شریک نمی دیدند. از دید آنها قدرت اصلی در نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی تمرکز یافته بود که اکثر در کنترل اقوام غیر پشتون قرار گرفته بود. دولت آقای کرزی با بر اندازی برنامه دی دی آر تلاش کرد که فرماندهان مقاومت نیز خلع سلاح شوند و در نیروهای مشروع امنیتی ادغام گردند ولی برنامه جمع آوری سلاح برنامه ناکام و ناقص بود.

به این اساس گفته میتوان که هر دو طرف جنگ داخلی سالهای 1990 میلادی به دلایل مختلف مسلح باقی ماندند و این کثرت سلاح در ولایت کندز هیچگاهی به دولت توانایی تطبیق قانون را به صورت درست نداد.

در بین سالهای 2001 الی 2008 شماری از قوماندان‌های دوره مقاومت که عمدتاً تاجک تبار و ازبک تبار و متعلق به جمعیت اسلامی و شورای نظار بودند نه تنها زیر چتر حمایت دولت مرکزی قرار داشتند بلکه از فضای اقتصادی پس از سقوط طالبان نیز بهره مند گردیدند. شماری از این فرماندهان بعدها با تیم باز سازی ولایتی کندز که توسط دولت آلمان و قوای آلمانی مستقر در کندز بود نیز مورد حمایت قرار گرفتند. این قوماندانها به مرور زمان جایگاه رسمی خویش را در دولت از دست دادند ولی نفوذ آنها به انواع مختلف در داخل جامعه کندز باقی ماند.

حالا شماری از افراد منتقد قومی از ولسوالی‌هایی که در آنجا طالبان حاکمیت و کنترل دارند ادعا دارند که در سالهای پسین از دید فراخ سیاسی استفاده نگردید و به حقوق آنها دست اندازی‌های زیادی صورت گرفته است.

مثلاً آقای هوتک از ولسوالی دشت ارچی ادعا دارد که این ولسوالی در حالیکه نزدیک به هشتاد درصد جمعیت اش را پشتون‌ها تشکیل میدهند اما قدرت در تمام سالهای پس از طالبان در اختیار قوم قرلق بوده که شمار آنها از ده تا بیست فیصد بیش نیست. او همچنان ادعا دارد که نه

تنها در ولسوالی دشت ارچی در تقسیم قدرت انصاف و دور نگرسی سیاسی وجود ندارد بلکه زمین‌های زیادی از قوم پشتون توسط فرماندهان زورمند غصب گردیده است. از روی ادعای آقای هوتک شماری از مردم پشتون با آنکه طالبان را راه حل نمی بینند اما در لحظات بحرانی بخاطر حفاظت خود از ضرر دیگران به طالبان پناه می برند، بی تفاوتی از خود نشان می دهند و یا حد اقل با دولت مرکزی و ولایتی همکاری نمیکنند. این روحیه باعث میشود که طالبان در جامعه جایگاه اجتماعی بدست آورند.

در بین توده‌های مردم و در بین قشر عادی جامعه بحث قومیت داغ نیست اما وقتی موضوع تقسیم قدرت، عدالت، معضله زمین، دسترسی به دستگاه قدرت در دولت مرکزی و محلی مطرح میگردد. بحث قومیت به یک فکتور و عامل مهم مبدل میشود.

در سالهای پس از طالبان سیاست دولت مرکزی در کابل در ارتباط کندز استوار بر حفظ موازنه بر محور قومیت و گروه‌های سیاسی بوده است. بر اساس این سیاست جایگاه افراد با ادعای نفوذ در اقوام مختلف در کندز تا حدی نهادینه شد و این امر باز هم سبب دوری قشر عادی جامعه از دسترسی مستقیم به عدالت گردید.

افراد با نفوذ در کندز به حمایت دولت مرکزی، تیم بازسازی آلمانیها، دستیابی به منابع مشروع و نامشروع توانستند جایگاه خود را در بیرون دولت و هم در اداره محلی مستحکم سازند. عمیق شدن ریشه گروه‌های ذینفع در اداره و در جامعه باعث گردید که عدالت رسمی قربانی گردد و دستگاه عدلی و قضایی و دستگاه پولیس از اعتبارات اش کاسته شود.

هیات حقیقت یاب به نفوذ افراد شامل درین شبکه در ولایت کندز به عنوان شبکه خاکستری یا حکومت خاکستری خطاب میکند. این شبکه از دید حوزوی و جغرافیایی به سه قسمت تقسیم میشود. قسمت‌هایی از شهر کندز و شرق این شهر شامل روستای بزرگ آفتاش و خان آباد زیر نفوذ قوماندان میر علم قرار داشت و تا حال قسما قرار دارد.

شمال کندز که بزرگترین مرکز آن شهر امام صاحب و بندر شیرخان بندر است در اختیار شبکه وفادار به آقای ابراهیمی رییس کنونی پارلمان افغانستان قرار دارد.

قسمت‌هایی از شهر کندز و ولسوالی‌های غربی کندز که عمدتاً چهاردره و علی آباد است در اختیار شبکه خاکستری فرماندهان پشتون تبار قرار دارد. این شبکه‌ها از روی ترس از یک دیگر و یا هم در رقابت با یک دیگر در سالهای اخیر روابط علیحده و جداگانه‌یی را با دستگاه حکومت مرکزی و محلی برقرار ساختند تا بتوانند منافع شخصی، خانواده‌گی و گروهی خویش را حفظ نمایند. این دیدگاه کلی گراست و شاید هم دارای نقایص زیاد باشد اما چوکات شبکه خاکستری کلاً همین است.

شبکه خاکستری از دید قومی در بعضی نقاط مخلوط است اما از دید رهبری تقسیم به شخصیت‌های قومی چون میر علم خان، ابراهیمی و حاجی عمر، حاجی اتمانزی و آمر غلام

میشود. از اینکه آقای کرزی خود دارای کدام تشکیلات حزبی مقتدر و مسلط نبود خواست از بافت موجود جامعه بصورت پراکنده استفاده نماید و حکومت آقای اشرف غنی در کندز از دید سیاسی جامعه تقسیم شده و منقسم را از حکومت آقای کرزی به میراث برد. این تقسیم در انتخابات سال 1393 بیشتر و عمیق تر گردید و تاثیر مستقیم بر اداره ملکی و نظامی کندز گذاشت.

اما با آنچه در بالا گفته شد باز هم نمیتوان حکم کرد که ریشه همه بحران در همین اختلافها نهفته است. این اختلافها از جامعه به درون دستگاه اداره محلی سرایت نموده و اداره ولایتی در سالهای پس از طالبان از تشنج صادر شده توسط شبکه خاکستری رنج می برد. شبکه خاکستری نفع اش در سقوط نظام نیست ولی قوت نظام و حاکمیت واقعی دستگاه عدلی و قضایی را به نفع خود نمی بیند. این شبکه نفع خویش را در تداوم حاکمیت ضعیف بیشتر جستجو میکند.

خلاها و ضعفهای یاد شده در نهادهای دولتی و در جامعه به دشمن یعنی پاکستانیها و سائیلی را مهیا ساخت تا بتوانند از عقدهها، بی عدالتیها، شگافهای اجتماعی و ضعف نهادهای دولتی استفاده نموده و طالبان را در بخشهای از ولایت کندز به عنوان راه حل تقویت نمایند.

شناخت استخبارات پاکستان از جامعه کندز بسیار عمیق و کهنه است. در سالهای جهاد در دهه 1980 میلادی آنها با سرمایه بزرگ که از جانب امریکا کمک شده بود خواستند کندز را به پایگاه عملیاتهای جهادی در آنسوی دریای آمو در آسیای میانه زیر سلطه شوروی تبدیل نمایند و ازینرو سرمایه گذاری و توجه بیشتر بالای قوماندانهای کندز نسبت به سایر ولایات داشتند. (به کتاب تلک خرس نوشته رییس آی ایس آی مراجعه نمایید)

کندز در پهلوی داشتن موقعیت مهم از دید اقتصادی نیز نسبت به دیگر ولایات از وضعیت بهتر برخوردار است. وقتی طالبان برای بار اول کندز را در دهه 90 میلادی تسخیر کردند نیاز به اکمالات غذایی از بیرون ولایت نداشتند زیرا مالیه یی را که از کندز جمع آوری میکردند قوای شان را کفاف میکرد و تنها از دید نظامی نیازمند به اکمالات بودند.

بین سال 1998 الی 2001 پاکستان بخاطر حفظ کندز از حملات جبهه متحد ملی آنزمان بالاتر از 2000 نفر نیرو از قطعات خاص خویش را درین ولایت جابجا نمود. پس از یازدهم سپتمبر سال 2001 این قطعات در هماهنگی با امریکاییها از راه هوا خارج شدند. با این پس منظر تاریخی میتوان گفت که سرمایه گذاری پاکستانیها بالای افراد طالبان در کندز پدیده جدید نیست و شناخت و یاری گروههای افراطی پاکستان مانند لشکر طیبه نیز با قوماندانهای طالبان در کندز به گذشته بر میگردد.

آقای رحمت الله نبیل یاد آور شد که او چندین بار مکالمات ملا عبدالسلام حنیفی والی نام نهاد طالبان در کندز را با مرکز طالبان در پشاور کشف و ثبت کرده است. او همچنان یاد آور شد که دولت افغانستان حتی چند بار در زمان داکتر محمد اشرف غنی تلاش ورزید که پاکستان را ترغیب و تشویق به گرفتاری ملا سلام نماید اما پاکستانی‌ها ازین همکاری ابا ورزیدند.

به گفته ی مقام‌های رده اول بخش دفاعی و امنیتی افغانستان، هجوم طالبان به کندز برنامه از قبل سنجیده شده ی بود که حد اقل پاکستان بخاطر انجام آن دو تا سه سال برنامه ریزی کرده بود. پیچیده گی عملیات طالبان بر علیه کندز نشان میدهد که این عملیات به هیچ صورت کار چند تا طالب و ملای دهکده نیست بلکه در عقب آن دستگاه نظامی منظم و استخبارات دخیل بوده است.

### اما چرا کندز؟

در جریان بررسی‌ها دریافتیم که به دلایل مختلف دشمن برنامه داشت که کندز را مورد هجوم قرار دهد. پاکستانی‌ها میخواستند واقعیت جدیدی را در صحنه نظامی و سیاسی افغانستان بوجود آورند و آن اینکه نشان دهند، طالبان میتوانند دور تر از مرزهای پاکستان نیز زنده باشند و فعالیت نمایند. هیچ نقطه دیگر در شمال کشور آبستن این تحول نمیتوانست باشد. از دید کمالاتی قسمت زیادی از سلاح‌های دهه 90 طالبان در اختیار شان قرار داشت و نیاز نبود که سلاح جدید خریداری و یا تدارک دیده شود. ملا سلام و افراد کلیدی دیگر طالبان در سالهای اخیر در پاکستان مجدداً تعلیمات نظامی دیدند و با برگشت شان در کندز، داشته‌های خود را بالای افراد دیگر تطبیق کردند.

عقیده اکثر مصاحبه شونده گان در سطح استراتژیک بر آن است که اگر ملا عمر می بود یا نمی بود این عملیات صورت میگرفت. اما در عین حال اگر دولت افغانستان باور به تخمین‌های اطلاعاتی خودش میداشت میتواند از فاجعه کندز جلوگیری نماید. با آنکه کندز به باور مقامات امنیتی افغانستان قبل از اعلان مرگ ملا عمر برنامه ریزی شده بود اما انجام این تهاجم طالبان توانست جایگاه ملا منصور را در بین طالبان که از حمایت بی دریغ سازمان استخبارات نظامی پاکستان برخوردار است تحکیم و قوت بخشد و فریکسیون‌های ضد او را در درون طالبان ضعیف سازد.

پس تهاجم طالبان بر کندز نه تنها برای این گروه یک پیروزی محسوب میشد بلکه پاکستانی‌ها نیز ثابت ساختند که در آخر خط منافع ملی شان را بخاطر امریکا و افغانستان قربانی نمیکند و از برگه طالبان دست بردار نیست.



هر چند سقوط‌کنندگان بدست طالبان یک پیروزی زودگذر نظامی محسوب می‌گردد ولی طالبان با ارتکاب جنایات‌های متعدد و برخورد خشن با جامعه و مردم کارنامه سیاه‌ای از خود بجا ماندند. لذا از دید سیاسی و اجتماعی سقوط‌کنندگان فاقد دست‌آورد استراتژیک برای طالبان است.

## اما سقوط شهر کندز از دید جنگی و نظامی چگونه انجام یافت؟

- در حقیقت حمله طالبان در کندر اول سرطان سال جاری ساعت 11:25 قبل از ظهر آغاز یافت و آنها در قدم نخست توانستند ولسوالی دشت ارچی را تحت تسلط خویش در آورند. دولت افغانستان در باز پس گیری آن عمل نکرد و گذاشت طالبان صاحب پایگاه جهت سربازگیری، جمع آوری مالیه، تعلیمات و برنامه ریزی شوند. این بی توجهی ریشه در ناتوانی دارد یا در غفلت؟
- در قدم دوم در ماه جوزا و در جریان رمضان سال جاری طالبان بالای ولسوالی چهار دره حمله کردند و آنرا از دست نیروهای دولتی خارج ساختند. با آنکه دولت توانست مرکز چهاردره را بازپس تسخیر کند اما از پیگرد نیروی اساسی طالبان در آن ولسوالی و هم در دشت ارچی ابا ورزید. با آن حال طالبان توانستند که دو ولسوالی حاصل خیز و پر نفوس کندز را در اختیار آورند. همه مصاحبه شونده گان اعتقاد دارند که این دستاورد روحیه طالبان را افزایش داده و آنها را باورمند به حمله بالای شهر ساخت.
- گام سوم طالبان تسخیر دهکده بزرگ آفتاش در شرق شهر کندز است. این دهکده که هم نفوس زیاد دارد و هم اقتصاد قوی طالبان را از طرف شمال به اطراف کندز و از راه شرق شهر وصل ساخت. باز هم دولت به کدام اقدام خاص متوسل نشده و بسنده به این کرد که در منطقه خان آباد که آفتاش مربوط آن است خیزش‌های مردمی را تمویل کند. این خیزش‌ها در برابر طالبان توان مقاومت نداشتند. به گفته آقای محمد معصوم ستانکزی قبل از حمله به شهر، طالبان توانسته بودند 30 تا 40 گروه محلی در اطراف شهر کندز ایجاد نمایند. خیزش مردمی پروژه و طرحی است که ریاست عمومی امنیت ملی مبتکر و گرداننده آن است.
- در ماه سرطان و اسد مطابق جون و جولای 2015 طالبان حملات شدید خویش را بالای پوسته‌ها و پایگاه‌های پولیس محلی در چهاردره و علی آباد آغاز کردند. در ماه سرطان و اسد در ولایت کندز تنها نیروهای پولیس محلی در برابر طالبان به مقاومت پرداختند و اردو از گرفتن نقش فعال ابا ورزید که تا همین اکنون هیات نتوانسته است علت دقیق آن را دریابد. آقای نورالحق علومی وزیر داخله افغانستان میگوید که پراکنده شدن قوای دولتی مانع آن شد که پولیس و یا در کل قوای امنیتی بتوانند عملیات‌های تصفیوی را در اطراف شهر براه اندازند. در عین حال آقای علومی و هیات رهبری وزارت داخله عقیده دارد که طالبان در جنگ اخیر از تاکتیک‌های جنگ روانی، غافل گیری و نفوذ سازی بسیار استفاده موثر نمودند. وزیر داخله اذعان میدارد که تمام تشکیل پولیس محلی در سراسر افغانستان 16500 نفر است که از آن جمله 2200 نفر پولیس محلی در سطح کشور در خدمت اشخاص قرار دارند و کدام مسوولیت مشخص در وظایف محوله ندارند. درین گزارش به همچو اشخاصیکه به نحوی از حمایت دولت برخوردارند ولی هیچ مسوولیتی ندارند شبکه

خاکستری خطاب می‌گردد. تشکیل منظور شده پولیس محلی 30 هزار است که تا حال تکمیل نشده است. آقای علمی می‌گوید که برای تحکیم جایگاه پولیس محلی طرز العمل خوب ساخته شده است ولی از آنجاییکه این طرز العمل بعد از ایجاد قواء ساخته شده است تطبیق آن در وسط و کمر راه کار دشوار است.

- در ماه اگست سال 2015 یعنی نزدیک دو ماه قبل از تسخیر شهر، طالبان بخاطر پراگنده ساختن نیروی اصلی دولت یعنی اردوی ملی دست به عملیات‌های فریبنده در نقاط دور افتاده مانند تیرگران، وردوج، خستک و غیره در بدخشان زدند. دولت نیروهای اردوی ملی را که در کندز بود به آن جا فرستاد و قوت اردوی ملی در ولایت کندز ضعیف شد. این درحالیست که حکومت مرکزی در جریان همین ماه‌ها توانست قوماندان جدید برای قول اردوی 209 شاهین تعیین کند. این قوماندان قول اردو که سالها در جنوب خدمت کرده بود با شمال افغانستان هیچ نوع آشنایی نداشت. اما به خاطر توافق جناح‌های سیاسی داخل حکومت او به این منصب گماشته شد. وزیر داخله افغانستان با آنکه پولیس محلی را یک داشته با ارزش وزارت امور داخله میدانند اما باور به اینکه این نیروها کدام مهارت خاص و ویژه نسبت به دیگران داشته باشند ندارد. او باور دارد که این نیرو از دید تجهیز بسیار ضعیف است ولی از دید شناخت دشمن در موقعیت بهتر از دیگران قرار دارد. باور مردم بر دستگاه پولیس در شهر کندز بنابر دلایل زیاد کاهش یافته است. مثلاً به گفته مردم و شماری از مامورین دولتی در دو ماه قبل از سقوط شهر 13 مورد اختطاف در شهر صورت گرفته بود که پولیس عاملین هیچ کدام را تثبیت کرده نتوانسته و مجرمین را دستگیر کرده نتوانسته بود. بعضی از مصاحبه شونده گان به شمول خانم‌هایی که با آنها صحبت کردیم می‌گویند که این اختطاف‌ها توسط طالبان صورت گرفته بود تا برای عملیات بزرگ خویش پول بیشتر تدارک نمایند. آقای محمد حنیف اتمر می‌گوید که انجام نیافتن عملیات در دشت ارچی یک اشتباه بزرگ بود، زیرا یک پایگاه اقتصادی را در اختیار طالبان قرار داد. در همین مورد آقای ستانکزی سرپرست وزارت دفاع می‌گوید که باید دولت عملیات تصفیوی را در خستک بدخشان جدی انجام میداد. در آن زمان وقتی در خستک عملیات متوقف شد یک نوع بی باوری در جدیت دولت مرتبط به ریشه کن کردن دشمن به وجود آمد. باز هم چنانچه ازین متن بر می آید میان اعضای ارشد دولت از دید موضوع و ساحه تعریف تهدید متفاوت و مختلف است و این نمونه پی از نبود فکر منسجم در اداره وضعیت را نشان میدهد.

- از حرف‌ها، اطلاعات و تخمین‌های همه مقامات امنیتی افغانستان در سطح مرکز و ولایت بر می آید که ماه اگست یعنی اواخر اسد و اوایل سنبله طالبان شدیداً به کار اطلاعاتی پرداخته و هسته‌گذاری‌های خویش را بخاطر نفوذ در میان مردم شهر کندز انجام دادند. این کار طالبان وقتی انجام یافت که نیروهای اردو در ولایات دیگر زمین گیر شده بودند، دو ولسوالی در اختیار طالبان قرار داشت، پاکستان سخت نیاز داشت که برای ملا منصور جایگاه ایجاد نماید و در عین حال پولیس محلی از جنگ دو ماهه خیلی خسته شده بود.

رییس عمومی امنیت ملی آقای نبیل میگوید که او پیش بین بود که در کندز اتفاق می افتد زیرا به اساس اطلاعات از منابع انسانی و تکنیکی او توانسته بود پیش بین مسیر و جهت عملیات‌های طالبانی در شمال باشد. آقای نبیل میگوید که قرار بود در کندز در ماه جولای و اگست عملیات‌های مشخص توسط قوای خاص به کمک نیروهای امریکایی انجام یابد. در آن زمان یک رویداد عجیب اتفاق افتاد. چهار تن از سربازان سرحدی تاجکستان را طالبان ربودند. به روایت دیگر این سربازان خود به کندز آمدند. به روایت دیگر این سربازان قاچاق چیان بودند و به روایت دیگر این چهار نفر دهشت گر بودند. اما به هر حال دولت تاجکستان از افغانستان خواست که در صورت انجام عملیات باید سلامتی و زنده گی این سربازان را مد نظر بگیرند. به گفته آقای نبیل این موضوع باعث شد که عملیات صورت نگیرد. یعنی از ترس اینکه مبادا چهار تن عسکر تاجکستانی کشته نشوند عملیات صورت نگیرد. این سربازان بالاخره با میانجی گری دولت قطر از نزد طالبان گرفته شده و به تاجکستان بر گردانده شدند. آقای نبیل میگوید که اگر این مصلحت نمی بود نزدیک به هفتصد تن از نیروهای ویژه حاضر بودند که عملیات‌های مشخص را در پایگاه‌های طالبان انجام دهند و رهبری آنها را محو نمایند. اما این گفته‌های آقای نبیل را مشاوریت امنیت ملی، قوماندانی حمایت قاطع به رهبری جنرال کمبل و وزارت دفاع افغانستان به شدت رد نموده و میگویند که اول بسته‌های اطلاعاتی ارایه شده از سوی ریاست عمومی امنیت ملی غیر قابل اقدام بوده، دوم به اساس فیصله جمعی قوای خاص مصروف عملیات‌های مهم دیگر در بدخشان و سایر نقاط گردید، سوم هیچ گاهی شورای امنیت ملی و مشاوریت امنیت ملی از روی هیچ نوع مصلحت سیاسی، روابط خارجی و یا مسایل دیگر مانع هیچ نوع عملیات نظامی و خاص نشده اند، چهارم این بخش از اعضای شورای امنیت ملی ریاست عمومی امنیت ملی را متهم غفلت نموده و باور دارند که از نفوذ یابی دشمن در شهر قبل از سقوط، این اداره هیچ اطلاع بازدارنده در اختیار نداشته اند. این بخش از شورای امنیت ملی سقوط کندز را عمدتاً یک ناکامی اطلاعاتی و استخباراتی می شمارند. هر دو طرف این ادعا اسناد و مدارک کافی برای درست بودن ادعای خویش به هیات ارایه نموده اند که در ضمیمه گزارش درج است.

- در ارتباط تعداد و کیفیت اتباع خارجی در جنگ کندز اطلاعات و معلومات ضد و نقیض وجود دارد. از دید تحلیلی انجام عملیات با این پیچیده گی امکان ندارد توسط ملاحی روستایی برنامه ریزی شود. اما بخاطر تقویه این ذهنیت و دیدگاه نیاز به ثبوت مادی است. این سوال را از آقای رحمت الله نبیل پرسیدم. او در جواب گفت ما صدای ملا سلام را ثبت داریم که در حالت وارخطایی به نفرهای خود میگوید که کوشش کنید مهمان‌ها را از نزدتان اسیر نسازند. به نظر آقای نبیل و به اساس تجربه او، هدف از مهمان‌ها خارجی‌هاست که تابعیت آن را نمیتوان با این ثبوت نازک تثبیت کرد.

- جنرال محمد ایوب سالنگی معین ارشد امنیتی عقیده دارد که بزرگترین خلا این بود که دولت نتوانست از فرصت دست یافته در زمستان استفاده نماید و با گرم شدن هوا دولت در گیر جنگ‌های متعدد گردید و یک نوع دست و پاچگی در شماری از نقاط کشور به شمول کندز رخ داد.

- بالاخره با توسل با استراتژی استوار بر: اول) جنگ فرسایشی دوم) پایگاه سازی سوم) ایجاد تفرقه قومی چهارم) پراکنده سازی قوای دولتی با تمرکز حملات بالای نقاط ضعیف و دور دست پنجم) کار نفوذی و شبکه سازی در میان جامعه و ششم) حمله غافلگیرانه در صبحگاه 6 میزان 1394 مطابق به 28 سپتمبر 2015 ساعت 3:30 دقیقه از چهار جناح بالای شهر کندز هجوم آوردند و بعد از دوازده ساعت درگیری نا منظم در نقاط مختلف، شهر کندز را تسخیر نمودند.

بزرگترین نیروی طالبان از مسیر قریه زاخیل و زرخرید از استقامت غرب و جنوب، از مسیر کله‌گاو که در شرق شهر قرار دارد و از طریق بالا حصار که در شمال شهر قرار دارد هجوم آوردند. درین هجوم آنها بازهم بالای نقاط ضعیف دولت تمرکز کردند یعنی حوزه‌های پولیس ملی و محلی را زیر حمله قرار دادند و از پایگاه‌های اردوی ملی دور زدند. بخاطر فروپاشی سوق و اداره و یا نبود سوق و اداره درست قبل از حمله، اردوی ملی نتوانست که از حضور گزیه‌های شهری خویش استفاده موثر نماید و یا بتواند قطعات کوچک و کندک‌های خویش را با یک دیگر وصل نموده و طالبان را مشغول ضد حمله سازد. مثلاً محمد الله وردک رییس سپین زر میگوید که او شاهد بود دو واسطه‌هاموی اردوی ملی (واسطه نقلیه زرهی مخصوص نیروهای امنیتی) در کنار دفترش آمدند. سربازان بی تفاوت بودند. حتی وقتی در شهر جنگ آغاز شد آنها نمیدانستند که چه خبر است و باید از خود چه واکنشی نشان بدهند. با وجودیکه مسئولین شرکت سپین زر از ایشان خوانستند تا به دفاع پردازند. اما نیروی‌های امنیتی اردو گفته اند که اجازه فیر را ندارند.

- تحقیق و بررسی هیات حقیقت یاب نشان میدهد که الی ساعت 13:00 بجه مقاومت پراکنده در برابر طالبان صورت گرفته است، اما بعد از آن تمام نیروهای پولیس، محافظین محبس، پوسته‌های پولیس محلی از چهاردره و علی آباد و گزیه‌های که از جانب اردو در شهر بودند به اطراف میدان هوایی کندز در ساحه‌ی بنام "دوره" جمع شدند و عملاً نظام سوق و اداره از هم پاشید. آقای مسعود اندرابی معاون تخنیکی امنیت ملی میگوید که او باور ندارد که طالبان در شهر شبکه‌های خوابیده ایجاد کرده بودند. به باور او شماری از تلیفون‌هایی که توسط این اداره قبلاً در چهاردره زیر کار بود در روز دوشنبه مورخ 28 سپتمبر در شهر کندز فعال بود، یعنی این قرینه تخنیکی نشان میدهد که طالبان از بیرون داخل شهر شدند. اما اکثر مصاحبه شونده گان با این تحلیل آقای اندرابی موافق نیستند. سوق

و اداره نظامی در شهر بنابر دلایل مختلف از هم پاشید اما از دید استراتژیک این از هم پاشی کمتر ربطی به مسایل داخلی کندز دارد. بحث هماهنگی و اشراف بر مسایل در سطح ولایت از جانب دولت مرکزی تعریف نشده است. مسایل هماهنگی استوار بر روابط شخصی مقامات در ولایت است و آنها کدام الزامیت حقوقی ندارند که هماهنگی عمودی و افقی را تطبیق نمایند. به باور مردم شماری از طالبان از قبل در نقاط شهری جابجا گردیده بودند ولی بی پروایی و عدم کفایت استخباراتی در سطح ولایت باعث شد آنها پنهان بمانند و در روز شش میزان مطابق به برنامه خود دست به عمل بزنند.

- ساعت 16:00 بجه تاریخ 6 میزان اردوی ملی که حالا میزبان هزاران نیروی شکست خورده نظامی و صدها مامور ملکی دولت بود در یک حالت دست پاچگی نتوانست این نیروها را دوباره تحت فرمانده بیاورد و در عوض تمرکز بر حفظ پایگاه خود نمود. با این حال نزدیک به ساعت 17:00 بجه پایگاه لوای نظم عامه مربوط به پولیس که یکی از مستحکم ترین نقاط در مسیر میدان و در منطقه دوره است نیز قسما بدست طالبان افتاد. مقاومت دولتی به جز از میدان هوایی و مقر لوای نمبر دو قول اردوی 209 شاهین که در نزدیکی میدان است همه سقوط کردند. بازدید که هیات از لوای نظم عامه نمود هویدا گردید که صرفا در برج شماره هفتم این محوطه که مشرف بر ساحه قطعه واکنش سریع پولیس است نشانه‌های از ضربه سلاح پیکا دیده میشد. در بقیه برج‌های سمت غربی این لوا هیچ نوع نشانه‌ی از مقاومت و هجوم دشمن دیده نمیشد. لوای دوم قول اردوی شاهین در هنگام تامین امنیت ساحه دوره در اطراف پایگاه خویش یک نفر زخمی داشت. یکی از افسران این لوا به اسم رفیق در پس از چاشت آنروز زخم برداشت، به شفاخانه داکتران بدون سرحد انتقال یافت و بعد از چند روز از آنجا تحت پوشش و مخفی به کابل انتقال یافت.

- طالبان به تاریخ 7 میزان مطابق به 29 سپتمبر سال 2015 به تحکیم دستاوردهای خود در شهر پرداختند و بعد نزدیک به ساعت 1800 برای حمله بالای میدان هوایی کندز و مقر لوا آغاز به برنامه ریزی نظامی کردند. طالبان فکر کرده بودند که با انتقال مسوولیت‌های نظامی به دولت افغانستان ممکن است که امریکایی‌ها از مداخله در جنگ ابا ورزند و روی همین دلیل برخلاف گذشته هراس از حملات هوایی و حمایه هوایی امریکا از نیروهای دولتی افغانستان نداشتند.

- رییس اجراییه حکومت وحدت ملی جناب دوکتور عبدالله باور دارد ایجاد یک نوع فضای بی باوری که عوامل مختلف در ایجاد آن دخیل است، نقش زیاد در فروریزی روحیه و مورال قوا داشته است. او گفت تبلیغات طالبان قویتر از قوت نظامی آنها بوده است. او گفت حتی در ماه رمضان که به کندز سفر کرده بود شماری از مسوولین ملکی و نظامی از او پرسیده بودند که "ایا واقعا گسترش جنگ به شمال کدام نیت قدرت‌های بزرگ است یا چطور؟ چه حد دسیسه‌ی درین مسله وجود دارد". دوکتور عبدالله باور شد

ابهام ضخیم در ذهن بعضی‌ها شکل گرفته بود و نیاز است که با کار درست و حقیقت‌یابی این ابهام از ذهنیت‌ها بصورت واقعی و درست زدوده شود.

- حوالی ساعت 21:30 تاریخ 7 میزان مطابق به 29 سپتمبر طالبان قوای بیشتری را در ساحه دوره بخاطر حمله بالای میدان هوایی انتقال دادند. هرچند تثبیت نیست اما به عقیده اکثر مصاحبه‌شونده گان در داخل حکومت ساعت 23:00 بجه قطار طالبان در نزدیکی منطقه دوره از جانب قوای هوایی امریکا مورد حمله قرار گرفت. ده‌ها تن از طالبان درین بمباردمان کشته شدند و این بمب سرنوشت ساز روحیه طابان را بر هم زد. حوالی نیمه شب همان تاریخ یعنی 29 سپتمبر 2015 عملیات برای باز پس گیری شهر کندز از دست طالبان آغاز یافت و در اولین ساعات 30 سپتمبر لوای نظم عامه را که طالبان قسما در اختیار داشتند از دست دادند. ابتکار از دست آنها بیرون شد.

- نیروهایی که تا شامگاه تاریخ 6 میزان مسوولیت دفاع و امنیت شهر کندز را بدوش داشتند عبارت بودند از : چهار کندک اردوی ملی، 1250 تن پولیس محلی، 1000 تن خیزش مردمی، لوای نظم عامه، قوماندانی امنیه با چهار حوزه پولیس. البته ناگفته نباید گذاشت که کندک‌های اردوی ملی تنها مسوولیت شهر را نداشته بلکه در نقاط دور دست مانند امام صاحب، چهاردره، گورتیپه یا باغ شرکت نیز موقعیت داشتند. به گفته جنرال احمد حبیبی دو کندک کمکی از فرقه 111 مرکز نیز به کندز خدمتی آمده اند. به گفته او این کندک‌ها در تالقان و کندک دیگر اردوی ملی در بدخشان مصروف خدمت است.

- هیات حقیقت‌یاب تلاش زیاد نمود که تسلسل زمانی برای حوادثی که در روز 28 سپتمبر اتفاق افتاد ترسیم نماید. اما هیچ‌یک از نهادها و مقام‌های محلی یادداشت‌کننی و ذهنی از اینکه کدام واقعه ساعت چند اتفاق افتاد ندارند. حتی در نهادهای مرکزی چنین یک ریکارد و اسنادی وجود ندارد. همه از روی تخمین حرف میزنند. در حالیکه یک روز 24 ساعت است اما تمام اسناد دولتی ذکر از لیل چند بر چند میکند که از دید مسلکی کار خطاست.

- چنانچه در جزییات مطالعه خواهید نمود ارقام درست از وسایط از دست رفته نیز وجود ندارد. این بخاطری است که مصاحبه‌شونده‌ها مطابق به فرهنگ دیرین، نهادینه و رایج، کتمان کاری میکنند و نمیخواهند حقایق را بگویند. موجودی و حساب کردن وسایط موجود و تفریق آن از لست اصلی و اولی برای هیات کار ناممکن بود. زیرا وسایل و وسایط در قسمت‌های مختلف ولایت کندز پراکنده است و حساب و شمارش دقیق آن بسیار سخت است. اما گفته میشود که حدود 37هاموی، دو تانک تی 62، نزدیک به هزار میل سلاح و چندین دانه عینک شب بین بدست دشمن افتاده است. در مقابل به ما گفته شد که دشمن بالاتر از هزار نفر تلفات داده است و شماری هم زخمی شده اند. بحث تلفات دشمن در حیطه کار هیات قرار ندارد.

حقیقت هیچ‌گاهی یک پدیده جامد و قابل لمس و دارای یک لایه نبوده است و نخواهد بود. حقیقت سقوط‌کننده نیز استثنای تاریخ شده نمیتواند. ما به لایه‌هایی از حقیقت دست یافتیم و آنرا در خدمت مردم ما و دولت افغانستان قرار میدهیم. تمامی حقیقت به عنوان یک واحد قابل اندازه، هیچ‌گاهی دست یاب نخواهد گردید.

## پیشنهادهات

### در بخش ساختارها

- هیات پیشنهاد میدارد که شورای امنیت ملی از شکل کنونی اش بیرون کشیده شده و به مجلس دو اطاقه تبدیل گردد. اطاق اولی یا پایین میتواند شامل اعضای ذیربط کابینه بوده ولی اطاق دومی یا بالا نباید بیش از شش عضو داشته باشد. اطاق اولی میتواند اولویت‌ها را تثبیت و برای منظوری به اطاق بالا ارایه نماید.
- هیات حقیقت یاب یکی از عوامل کلیدی سقوط‌کننده را عدم تناسب در توقعات ملت از جانب مقام ولایت و صلاحیت تفویض شده از جانب دولت مرکزی میداند. هیات پیشنهاد میدارد که صلاحیت مقام ولایت با تعریف مشخص، همگانی و یکسان قابل تطبیق در سطح کشور افزایش یافته و در تمام مقرری‌های کلیدی در سطح ولایت اشراف داشته باشد.



- از دید هیات از آنجاییکه پولیس نظم عامه کاملاً مصروف در جنگ و طرد درگیری‌های کوچک می‌باشد و هیچ نقش در نظم عامه و کار پولیسی ندارد، پس نیاز است که این نیرو زیر چتر وزارت دفاع ملی قرار گیرد. پولیس کشور در کل باید از حوزه جنگ بیرون ساخته شده و به وظیفه اصلی‌اش که تنفیذ قانون و نظم عامه است برگردانیده شود.
- هیات عدم رعایت عدالت اجتماعی را در بی‌ثباتی و سقوط‌کنندز عامل میدانند. بنا بر صلاحیت تصمیم‌گیری در مسایل انکشافی به مقام ولایت انتقال یابد تا با این کار والی صلابت ایجاد رابطه با مفهوم واقعی آنرا با اقوام و جامعه پیدا کند.
- مبحث هماهنگی بین قوت‌ها از یک طرف و بین اداره ملکی و قوت‌های نظامی از طرف دیگر، باید به صورت واضح و روشن تعریف گردیده و در روشنایی این تعریف یک مقام مشخص چه مقام ولایت و یا عالی‌رتبه‌ترین افسر اردو مستقر در مقام ولایت با صلاحیت حکم، در راس کارها و جلسات هماهنگی قرار گیرد.
- افزایش واحدهای اداری‌کنندز به اساس طرح ریاست مستقل ارگان‌های محلی صورت گیرد.
- در چوکات ریاست امنیت ملی اداره با اقتدار زیر نام ضد تبلیغ و آگاهی عامه ایجاد گردد و به مقام ولایت پاسخگو باشد تا فضای بی‌باوری را تبدیل به فضای باور و اعتماد نماید.
- به جای خیزش مردمی و پولیس محلی تشکیل پولیس ملی بلند رود و مرحله وار جای این دو قوه را پر نماید.
- تجدید نظر کلی مرتبط به تشکیلات، روش و اهداف تعیین شده شورای صلح در ولایت‌کنندز صورت گیرد.
- فراهم نمودن زمینه‌های خدمت‌گذاری به کدرهای محلی‌کنندز در ان ولایت به اساس شایسته‌سالاری.
- ولسوال‌های غیر حاضر از محل وظیفه در تاریخ سقوط بدون استثنأ برطرف گردد.

#### در بخش اصلاحات

- در تعیین والی باید معیارهای معتبر ای پاسخگو و متفاوت از امروز مدنظر گرفته شود.

- بخاطر فضای باور و اعتماد ملی تقرر مقامات در سطح ولایت نباید منعکس کننده جناح بندی‌های داخل نظام، بلکه مقام تعیین شده نماینده‌گی از کلیت نظام افغانستان نماید. زیرا چند دسته‌گی در کندز یکی از عوامل بی ثباتی اداری و امنیتی است.
- تجدید نظر جدی و اصلاح نظام عدلی و قضایی در ولایت کندز یعنی سارنوالی و محاکم در اولویت کار ادارات ذیربط دولت مرکزی قرار گیرد. هیات پیشنهاد میدارد که تمام مقام‌ها و مامورین کنونی دستگاه عدلی و قضایی به جای دیگر تعویض گردند.
- ایجاد کود مستوره در چارچوب بودیجه مقام ولایت، جهت مشارکت متنفذین قوم، علمای کرام و توجه بر بعضی بازسازی‌ها و انکشاف عام المنفعه که جلب توجه ادارات انکشافی دولتی و غیر دولتی را در بر نمگیرد.

## تجدید سیاست گذاری ها و پالیسی از جانب دولت مرکزی در ارتباط به کندز

ولایت کندز مانند سایر نقاط کشور در چهل سال اخیر در گرو سیاست‌های حزبی، گروهی و قومی بوده و این سیاست گذاری‌ها شگاف‌های عمیق و صدمه‌های زیاد را به روابط اجتماعی و روان مردم وارد کرده است. درین میان آنچه کمتر و کم رنگ تر بوده سیاست ملی و دولتی درین ولایت است. دولت‌های افغانستان تا هم اکنون مستقل از جناح بندی‌های داخل ولایت سیاست را تدوین کرده نتوانسته اند. این کمبودی گاهی مردم را وادار به مراجعه به نهادها و ساختارهای غیر دولتی بخاطر حل منازعات شان می سازد. عوامل بیرونی بخصوص حلقه‌های استخباراتی مخاصم ازین شگاف‌ها تا امروز بهره گرفته و نهادهای دولتی را در کندز ضعیف ساخته اند. دولت افغانستان نیاز دارد که:

- روش مشخص مرتبط به شبکه و حکومت خاکستری ایجاد نماید یعنی گزینه‌های پالیسی عبارت اند از سازش، ادغام، به حاشیه راندن و یا مورد به مورد به پنجه قانون سپردن است. انتخاب با حکومت است.
- حل معضله زمین فراتر از توانایی‌های اداره محلی است. دولت نیاز به بازنگری حل این منازعه دارد.
- خلع سلاح جامعه در شرایط کنونی بالاتر از توانایی‌های اداره محلی است. دولت درین ارتباط نیاز به تدوین روش و سیاست مشخص دارد.
- نجات اداره از گروه‌های ذینفع در حیطه توانایی اداره محلی نیست. دولت نیاز دارد درین ارتباط سیاست مشخص داشته باشد.
- در پیام رسانی بزرگ و ملی، دولت نیاز دارد به تمام اقوام کندز یک پیام واحد بدهد. تا اکنون پیام‌های دولت مرکزی به کندز واحد و منسجم نبوده و هر قوم و گروه پیام مرتبط از مراجع مربوطه خود را دریافت میکند. این نوع پیام رسانی به شگاف‌های موجود در جامعه می افزاید و حس نظم گریزی را تقویت می بخشد.
- برخورد دولت با قضایای تاریخی استوار بر اصول نیست. محاکمه تاریخ ناممکن است و فراموشی تاریخ ناممکن‌تر. از نظر هیات حقیقت یاب دولت باید با ایجاد جرگه مردمی با اشتراک نماینده‌های واقعی مردم کندز تلاش کند بر زخم‌های تاریخی جامعه مرحم بگذارد و جامعه را از درون با هم به مصالحه و آشتی کشانیده و قرار داد اجتماعی میان جامعه از یک طرف و میان دولت و جامعه را از طرف دیگر تجدید نماید.

- بخاطر مرحم گذاری بر زخم‌های روحی و جسمی مردم و خسارات که بر ولایت کندز از این جنگ رسیده است دولت افغانستان این ولایت را در صدر توجه خویش قرار داده و یگ گروپ مشخص کاری را جهت رسیدگی به مشکلات اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و بازسازی، تاسیسات ویران شده، موظف سازد.
- توجه خاص کمیته حالت اضطرار را به جبران خسارات خانواده‌های عزیز کندز خواهان هستیم.
- استفاده وسیع از تلفون موبایل در صفوف باعث اخلال تمرکز نیرو گردیده و در بسیار موارد قومانده را در جریان عملیات و بعد از ان مختل می سازد بهتر است استفاده از تلفون‌های موبایل مطابق یک مقرره محدود گردیده و در عوض اتکاء به مخابره‌های مصئون گردد.